

عنوان مقاله : آغاز فارسی در شبه قاره و چگونگی ارتقای آن
نویسنده : دکتر ظهور الدین احمد
مآخذ : نامه پارسی، س چهارم، ش سوم، ص ۸۲ تا ۱۲۳

آغاز زبان فارسی در شبه قاره پاکستان و هند و چگونگی تحول و ارتقای آن
شامل مباحث زیر است:

- ۱- ورود زبان فارسی به شبه قاره
 - ۲- انقراض مملکتهای هندو در شبه قاره و رواج زبانهای قدیمی
 - ۳- آغاز ارتقای زبان فارسی
 - ۴- آغاز ارتقای زبان فارسی در لاهور / پنجاب
 - ۵- آغاز ارتقای زبان فارسی در کشمیر / بنگال / استان مرزی / دکن (هند جنوبی)
 - ۶- فارسی و اردو
 - ۷- رواج زبان فارسی در حکومت انگلیسیها
 - ۸- موقعیت زبان فارسی بعد از تأسیس پاکستان و هند
 - ۹- تأثیر زبان فارسی در زبان و لهجههای منطقه‌ای و محلی
 - ۱۰- تدریس زبان فارسی در شبه قاره
 - ۱۱- آموزشگاه‌های فارسی در شبه قاره
 - ۱۲- ناشران و چاپخانه‌های مربوط به زبان و ادب فارسی
 - ۱۳- تصنیف و تألیف به زبان فارسی در هندوستان
- نویسنده مقاله در باره هر یک از این مباحث، مطالب و توضیحاتی ارائه کرده است.

عنوان مقاله : پاسداران زبان و ادبیات فارسی در هند

نویسنده : خان محمد عامر

مآخذ : نامه پارسی، س چهارم، ش سوم، ص ۱۲۳ تا ۱۴۹

گفتگو از پیشینه دیرینه زبان فارسی در هندوستان تکرار مکررات خواهد بود، اما مهم این است که «قند پارسی» در آن دیار هنوز هم طرفدار و خریدار دارد و برخلاف کوششهای مزورانه انگلیسیها در جهت محو کردن زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی در هند، این زبان اعتبار خود را حفظ کرده و حتی بر دامنه رونق آن افزوده شده است.

نگاهی به فهرست استادان و متخصصان زبان و ادب فارسی در هند، مؤید این ادعاست.

عنوان مقاله : فارسی سرایان مهاجر در دوره سلاطین مملوک

نویسنده : محمد سلیم مظهر

مآخذ : نامه پارسی، س چهارم، ش دوم (تابستان ۷۸)، ص ۱۰۲ تا

۱۵۴

سلاطین مملوک پس از غزنویان و غوریان که فارسی زبان بودند به ادب و شعر علاقه فراوان داشتند و همانند آنان از شعر و ادب حمایت می کردند. سلاطین که پس از غزنویان و غوریان روی کار آمدند نیز به ادب و شعر فارسی علاقه بسیاری داشتند و به سرپرستی ادب و شعر پرداختند.

شاعران و ادیبان به سبب سرپرستی و حمایت و صله های گران پادشاهان و امیران شبه قاره از مناطق فارسی زبان به آن سرزمین رو می آوردند، اما مهمترین علت مهاجرت آنان در این دوره، یورشهای چنگیزخان و هولاکوخان و جانشینان آنان به مناطق فارسی زبان بود که شاعران و ادیبان و هنرمندان و امیران و امثال آنان

از ترس جان از خاک ایران و ماوراءالنهر خارج شدند و به شبه قاره رفتند. در ذیل به اسامی و شرح حال این شاعران مهاجر و مسافر اشاره می‌شود:

بهاء الدین اوشی

جز چند رباعی و چند بیت از قطعاتش، نشانی از دیگر سروده‌ها و نوشته‌های او نیست. وی دانشهای متداول را در زادگاه خود فراگرفت و در فضل و دانش شهرت یافت. اشعار وی ساده و خالی از ابهام است.

علی بن عمر محمودی

ملقب به «حمید الدین افتخار الافضل» شاعر ایرانی الاصل که جز دو قصیده در ردیفهای «لعل» و «عقیق» از نوشته‌ها و سروده‌های او نشانی نمانده است. وی شاعری قادر الکلام و چیره دست بر سنتهای شعری روزگار خود بوده و هرچند به ساده‌گویی گرایش داشته، ردیفهای قصیده‌هایش بکر است.

ضیاء الدین سجزی

در سیستان به دنیا آمد. تاریخ تولد، درگذشت و زمان مهاجرتش به شبه قاره معلوم نیست. از وی تنها یک قصیده ۲۵ بیتی به جا مانده است.

محمد کاتب بلخی

از کاتبان و شاعران سده ۷ ق / ۱۳ م است. در بلخ به دنیا آمد. درباره وقایع زندگانی او اطلاعات روشنی در دست نیست. از محمد کاتب بلخی تنها یک قصیده ۳۰ بیتی که بعضی ابیاتش ناقص است به جا مانده است. او در دربار ناصرالدین قباچه بوده و در ستایش او و وزیرش شعرسرایبی کرده است.

فضلی بخارایی ملتایی

از عالمان و شاعران سده ۷ ق / ۱۳ م بخاراست. در شبه قاره به دربار ناصرالدین قباچه پیوست که این شاه به او بسیار احترام گذاشت و فضلی نیز او را در اشعار خود ستایش کرد. از وی تنها یک قصیده ۱۹ بیتی و پنج رباعی به جا مانده است.

علی بن حامد کوفی

نویسنده، مترجم و شاعر فارسی سرای سده‌های ۶ و ۷ ق / ۱۲ و ۱۳ م است. دانشهای روزگار را در زادگاه خود در کوفه فراگرفت و به دربار ناصرالدین قباچه

وابسته شد. کتاب «چچ نامه، یا فتح نامه سند» از آثار اوست. وی در دیباچه کتاب قصیده‌ای را که در ستایش ناصرالدین قباچه سروده، آورده است.

فریدالدین احوال اصفهانی

ملقب به ملک الشعرا و متخلص به احوال شاعر سده ۷ ق / ۱۳ م و ایرانی الاصل است. پس از فراگیری دانشهای زمانه در اسفراین به دربار ناصرالدین قباچه پیوست و بار دیگر پس از اقامت در اصفهان به شیراز رفت و به دربار ابوبکر سعد بن زنگی پیوست. وی از شاعران معروف زمان خود بود که به سبک عراقی شعر سرود.

خواجه قطب الدین بختیار کاکای اوشی

متخلص به قطب، عارف و شاعر سده ۷ ق / ۱۳ م ماوراءالنهر که به شبه قاره مهاجرت کرد. او از محضر عارفانی مانند شیخ شهاب الدین سهروردی، شیخ اوحدالدین کرمانی و شیخ جلال الدین تبریزی کسب فیض کرد. اشعار او ساده با روش عارفانه و در بیان عشق حقیقی است.

محمد عوفی بخارایی

نویسنده و شاعر سده‌های ۶ و ۷ ق / ۱۲ و ۱۳ م است. در سال ۶۰۷ ق / ۱۲۱۰ م به سند رفت و به دربار ناصرالدین قباچه پیوست. از آثار او «لباب الالباب»، «جوامع الحکایات و لوامع الروایات»، کتاب «الفرج بعد الشدة» و اشعار فارسی در قالب قصیده و قطعه و رباعی است.

ابوجعفر عمر بن اسحاق واشی

درباره شرح زندگانش آگاهیهای قابل توجه در دست نیست. عوفی درباره استعداد شعرسرایی وی، داستانی نقل کرده است که طی آن روشن می شود که او با امیران و درباریان عصر رابطه داشته است.

وی اغلب علوم متداول روزگار خود را آموخته و در زهد و تقوا شهره عصر بود. شعر او ساده و روان و سلیس است. از او تنها سه شعر در قالب مثنوی و یک قصیده ۱۳ بیتی به جا مانده است.

سراجی خراسانی

از شاعران بنام قرن ششم و هفتم هجری ایران است که به هند مهاجرت کرده

است. او را مربوط به دربار سلطان محمود غزنوی دانسته‌اند که درست نیست. مدتی در مکران بوده و پادشاهان محلی آنجا را ستوده است. وی از مکران به دهلی به دربار شمس الدین التتمش رسیده و به ستایش بزرگان آن دربار پرداخته است. از سراجی خراسانی دیوان شعری باقی مانده که شامل قصاید، مسمط، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند است.

علی بن ابوبکر احمد جامعی

شاعر و دولتمرد سده ۷ ق / ۱۳ م است. در دوره شمس الدین التتمش بالید و مناطق مهمی را فتح کرد. وی علاوه بر مسئولیتهای کشوری و لشکری به شعر و ادب علاقه داشت. از او سه رباعی نقل کرده‌اند.

منهاج سراج جوزجانی لاهوری

معروف به «منهاج سراج» از مورخان برجسته ایرانی نژاد هند در قرن هفتم هجری است. در فیروزکوه پایتخت غوریان به دنیا آمد. چون مادرش با دختر سلطان غیاث الدین محمد سام همدرس بود و با وی زندگی می‌کرد، در حرم شاهی رشد و پرورش یافت. در دوران نوجوانی مشاغل سیاسی و اداری را آغاز کرد. پس از درگذشت شمس الدین التتمش در دوره‌های جانشینان وی احترام فراوان یافت و در دوره ناصرالدین محمد فرزند شمس الدین التتمش مدتها منصب قاضی القضاتی سایر قلمرو وی و حکومت دهلی با او بود. وی به زبان عربی تسلط کامل داشت و به عربی و فارسی شعر می‌سرود. تنها اثر به جا مانده او تاریخ با ارزش «طبقات ناصری» است. شعرهایی نیز در قالب قصیده، رباعی، قطعه و غزل دارد که در جاهای گوناگون در طبقات ناصری آورده است.

خطیر الدین جرجانی

عوفی او را در زمره علمای نیشابور قرار داده است. هدایت چندین کتاب در علوم نقلی و عقلی به او نسبت داده ولی در حال حاضر تنها ۹ بیت شعر در قالب قصیده از وی به یادگار است. از مطالعه اشعار او معلوم می‌شود وی دچار نابسامانی بوده و اشعارش در شکایت از زمانه و گله از بی وفایی روزگار است.

ابوبکر احمد جامی

شاعر و دولتمرد اوائل سده ۷ ق / ۱۳ م است. وی به عرفان گرایش داشت. از او تنها چهار رباعی و چهار بیت یک قصیده بر جا مانده که عوفی آنها را در لباب الالباب آورده است.

حکیم روحانی

از شاعران سده ۷ هجری است. از وی جز چند قصیده و ابیات متفرق چیزی به جا نمانده است. اشعار او از تشبیهات بسیار زیبا و موسیقی شعری برخوردار است.

رضی لالای غزنوی

شاعر و عارف سده ۷ ق است. به راهنمایی شیخ نجم الدین کبری مراحل سلوک را طی کرد. از وی دو مصراع در ماده تاریخ مرگ وی به دست است.

قانعی طوسی

از شاعران معروف فارسی‌گوی ایران نژاد است. در ستایش علاءالدین کیقباد شعر سرایی، و صله‌های گران و لقب «ملک الشعرائی» دریافت کرد. وی شاعری پرگو بوده است و افزون بر اشعاری در ستایش ممدوحان که نشانی از آنها نیست، دو اثر منظوم مستقل به نام «سلجوقنامه» و «کلیله و دمنه» به یادگار گذاشته است.

فخرالدین ابراهیم عراقی

در خانواده‌ای از اهل علم در شرق همدان در روستای «کمجان» به دنیا آمد. در پنج سالگی در مدت ۹ ماه قرآن را حفظ کرد. در ۱۷ سالگی بر همه دانشها و معارف اسلامی احاطه داشت و در همدان مشغول تدریس علوم و معارف شد. در مسافرتی که به ملتان داشت به خانقاه شیخ بهاء الدین زکریا پیوست و در حین اقامتی که در قونیه داشت به محافل سماع مولانا جلال الدین بلخی می‌رفت و مورد توجه مولانا قرار گرفت. آثاری به زبان فارسی و عربی از وی به جا مانده است. از آثار منشور وی «لمعات»، «مصطلحات صوفیه»، منشآت و مکاتیب»، «رساله لطیفه فی الذوقیات و رساله فی الحمد لله» شهرت فراوانی دارند و آثار منظوم عراقی عبارتند از: «دیوان اشعار» و «عشاقنامه».

امیر حسینی هروی

عارف و شاعر معروف سدهٔ ۷ ق / ۱۳ م است. وی نزد شیخ بهاء الدین زکریا و فرزندش صدرالدین عارف در ملتان تعلیمات صوفیه آموخت. پس از کسب فیض از محضر ایشان برای ارشاد به هرات رفت و در آنجا به تعلیم و ارشاد پرداخت و مریدانی یافت. از وی آثار متعدد منثور و منظومی به جا مانده است. از آثار منثور او:

۱ - طرب المجالس

۲ - نزهة الارواح

۳ - صراط مستقیم

و آثار منظوم وی:

۱ - کنز الرموز

۲ - زاد المسافرین

۳ - سی نامه

و نیز دیوان شعری است که دارای غزلیات، قصاید، ترکیبها، ترجیعها، رباعیات و قطعات است که بخش عمدهٔ دیوان وی را غزلیات در بر می‌گیرد.

عنوان مقاله : زندگی و آثار استاد دکتر انعام الحق کوثر

نویسنده : نجم الرشید

مآخذ : نامهٔ پارسی، س چهارم، ش دوم (تابستان ۷۸)، ص ۱۸۵ تا ۱۸۷

استاد دکتر انعام الحق کوثر، که از نویسندگان، ایرانشناسان و استادان بزرگ پاکستان است، سالها در این ناحیه به آموزش، ترویج و گسترش زبان و ادب فارسی مشغول بوده است. وی از بنیانگذاران «انجمن فارسی پاکستان» است و در انجمنهای گوناگون علمی و ادبی عضویت دارد. استاد کوثر به کشورهای گوناگون سفرهای علمی و پژوهشی کرده است. کتابخانهٔ شخصی وی دارای کتابهایی است به زبانهای عربی، فارسی، اردو، انگلیسی و زبانهای محلی شبه قاره. استاد کوثر به زبانهای فارسی، اردو، انگلیسی و پنجابی آشنایی کامل دارد و

مقالات تحقیقی و با ارزش در زمینه زبان و ادب فارسی از وی به چاپ رسیده است. او در تألیف مقالات دایرة المعارف اسلامی (اردو) و دانشنامه ایرانیکا نیز همکاری داشته و بیشتر از ۴۰ کتاب در زمینه‌های گوناگون مانند تاریخ، مذهب، زبان و ادب نگاشته است.

مهمترین آثار استاد کوثر «شعر فارسی در بلوچستان»، تذکره‌ای است به زبان فارسی شامل زندگینامه و نمونه ابیات شاعران فارسی‌گوی بلوچستان، «احوال و آثار فغانی شیرازی» که رساله دوره دکتری استاد کوثر بود به زبان انگلیسی، «منتخباتی از شعرای فارسی بلوچستان»، «کلیات محمد حسن براهوی» که استاد کوثر این کلیات را تصحیح کرد. «ارمغان کوثر» شامل مجموعه مقالات فارسی، «مردِ حُر» مجموعه مقالاتی در زمینه اقبال شناسی، «ناطق مکرانی» شامل مجموعه شعر ناطق مکرانی، «سهم بلوچستان در جنبش آزادی پاکستان»، «علامه محمد اقبال و بلوچستان»، «تذکره صوفیای بلوچستان»، «مکاتیب یوسف عزیز مگسی» و «اردو در بلوچستان» است.

عنوان مقاله : وضعیت زبان و ادبیات فارسی در اردن

نویسنده : عبدالکریم علی جرادات

مأخذ : نامه پارسی، س چهارم، ش سوم، ص ۲۰۳ تا ۲۰۸

مردم کشور اردن که تشنه علم و معرفت هستند با وجود موانع زیاد و کمبود امکانات به آموزش و یادگیری زبان فارسی اهمیت فراوانی داده‌اند؛ چنانکه برخی از دانشگاه‌های اردن به تأسیس رشته‌هایی برای تدریس این زبان پرداختند. دانشگاه یرموک نخستین دانشگاهی بود که در برنامه درسی خود برای سال ۱۳۷۱ شش واحد تدریس فارسی قرار داد. پس از آن دانشگاه آل البیت به زبان و ادبیات فارسی اهمیتی فراوان داد به گونه‌ای که تعداد واحدهای درسی این دانشگاه برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی به ۲۱ واحد می‌رسد. مرکز زبانهای شرقی در دانشگاه آل البیت برنامه‌ای کامل برای تدریس زبانهای

عربی، فارسی، ترکی، اردو و ملاوی ارائه می‌دهد که دانشجویان مکلف هستند حداقل به یکی از این زبانها تسلط کافی داشته باشند. قابل توجه است که گرایش دانشجویان به انتخاب زبان و ادبیات فارسی نسبت به زبانهای دیگر بیشتر است. با توجه به این گرایش روز افزون به نظر می‌رسد تشکیل دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های اردن ضروری است.

با نگاهی به گذشته می‌بینیم که اهمیت دادن به زبان فارسی در اردن تازگی ندارد. در سالهای اخیر تعداد قابل توجهی دانشجوی اردنی از دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران فارغ التحصیل شده‌اند.

امروز نیز جمهوری اسلامی ایران تعدادی از بورسهای تحصیلی دانشگاه‌های خود را - (در حال حاضر) بیشتر از پنجاه بورس - به دانشجویان اردنی در تخصصهای گوناگون زبان و ادبیات فارسی اختصاص داده است. همچنین یک استاد متخصص ادبیات فارسی را به دانشگاه اردن فرستاده است. با وجود این پیشرفت ملموس و اهمیت دادن به زبان و ادبیات فارسی در اردن، هنوز یادگیری و آموزش زبان فارسی موانع و مشکلات فراوانی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱ - کمبود نیروهای آموزشی بومی به گونه‌ای که دانشگاه‌های اردن استنادی از خارج کشور به کار می‌گیرند که بیشتر از دانشگاه‌های عربی فارغ التحصیل شده‌اند نه ایران.

۲ - کمبود مراجع و منابع و فرهنگهای فارسی در دانشگاه‌های اردن برای دانشجویان

۳ - کمبود وسایل کمک آموزشی مانند نوار کاست، نوار ویدئو و...

۴ - نبودن یک مؤسسه فرهنگی تابع جمهوری اسلامی ایران در اردن

۵ - نرسیدن روزنامه‌ها و مجلات فارسی به دست دانشجویان زبان و ادبیات

فارسی

در پایان پیشنهاد می‌شود برخی از استادان ایرانی به منظور برگزاری دوره‌های کوتاه مدت دانش افزایی به اردن فرستاده شوند.

عنوان مقاله : سابقه و تاریخچه زبان فارسی در اروپا

نویسنده : ع. روح بخشان

مآخذ : نامه پارسی، س چهارم، ش دوم (تابستان ۷۸)، ص ۹۰ تا ۱۰۱

در زمینه حضور زبان فارسی در سرزمینهای شرقی و جنوبی اروپا و میزان گستردگی آن چند دلیل عینی عمده در دسترس است:

نخست وجود واژه‌های ایرانی و فارسی در زبانهای فرنگی که گاه عیناً و گاه با تغییراتی در شکل یا محتوا، مستقیماً یا از طریق زبانهای عربی، یونانی یا ترکی به زبانهای فرنگی راه یافته و تا به امروز باقی مانده است.

دلیل دوم، وجود لغتنامه‌های دو زبانه و چند زبانه بسیاری است که از آن زمانها به جای مانده، و در آنها فارسی یکی از زبانهاست.

دلیل سوم، وجود کتبه‌های بیشمار در زمینه‌های دستور زبان فارسی، واژگان فارسی و حتی ضرب المثلهای فارسی است که فرنگیان از دیرباز تدوین و منتشر کرده‌اند.

دلیل چهارم، گسترش دامنه نهضت ترجمه از زبان فارسی به زبانهای اروپایی است که با ترجمه آثار تاریخی و ادبی فارسی اوج گرفت.

دلیل پنجم به کار رفتن زبان فارسی به عنوان زبان رسمی (دیپلماتیک) و زبان تجاری در بخش عمده دنیای آن روزگار است.

دلیل ششم ایجاد مدارس السنه شرقی در کشورهای اروپاست. در قرن هجدهم و مخصوصاً در قرن نوزدهم، ایرانشناسی و آموزش زبان فارسی در اروپا وارد مرحله تازه‌ای شد و به صورت جدی درآمد. از طرفی مدارس تازه‌ای برای تدریس زبانهای شرقی (از جمله فارسی) ایجاد شد.